

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
The Visual Arrangements of Prophet Zechariah  
Martyrdom Miniature in Qisas Al-Anbiya  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مقاله پژوهشی

# سامان‌بندی‌های تجسمی در نگاره شهادت حضرت زکریا (ع) قصص الانبیا

آرمیتا سعادت‌مند<sup>۱</sup>، سیدعلی مجابی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.  
۲. استادیار گروه هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۱

تاریخ اصلاح: ۹۹/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۴

## چکیده

**بیان مسئله:** قصص الانبیا، قصه‌های نقل‌شده از حوادث زندگی پیامبران است. برخی از نگارندهای این کتاب مزین به تصویرسازی و نگارگری به‌منظور نمایان کردن هرچه بیشتر مفاهیم بیان‌شده در آن است. مشهورترین نسخه خطی قصص الانبیا نسخه خطی موزه توپکاپی است و یکی از شاخص‌ترین این قصص، که در کتاب مذکور نگارگری شده است، روایت شهادت حضرت زکریا (ع) است. نگارگر در این اثر سعی در تجسم مظلومیت زکریا در برابر کفرگویی ابلیس و حمایت الهی از او دارد.

**هدف پژوهش:** بررسی سامان‌بندی تجسمی براساس سه ویژگی عناصر بصری (خط، رنگ، بافت، فرم)، ترکیب‌بندی (مارپیچ طلایی، مربع شاخص، مستطیل طلایی و خطوط رهنمونگر) و نمادپردازی از سه منظر شخصیت، رویداد و گفت‌وگو در این نگاره است. برای دستیابی به این هدف ابتدا الگوی ارتباط بین پارامترهای تشکیل‌دهنده این سه ویژگی سامان‌بندی تبیین می‌شود.

**روش پژوهش:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**نتیجه‌گیری:** شخصیت‌ها در این نگاره به دو ساحت روایت کتاب و درخت، که پناه‌دهنده زکریا از هجوم ابلیسیان است، وفادار باقی می‌مانند. ترکیب‌بندی دوار، القای جایگاه درخت با به‌کارگرفتن ترکیب‌بندی مثلثی عناصر به‌نحوی که رأس مثلث بر درخت تأکید داشته باشد، القای آرامش و ثبات با به‌کارگرفتن عناصر در مستطیل طلایی، قرینگی فرم‌های انسانی، استفاده از خطوط رهنمونگر عمودی برای جای‌گیری عناصر، استفاده از مستطیل‌های  $\sqrt{2}$  و  $\sqrt{3}$  برای چینش کتیبه و نگاره در کنار یکدیگر، تداعی بافتی آرام، کم‌تنوع و معناگرا بودن به‌واسطه نحوه به‌کارگیری عناصر بصری نقطه و خط و در نهایت چیدمان ساختار حلزونی پادساعتگرد و ساعتگرد عناصر از مهم‌ترین نکات قابل شناسایی در سامان‌بندی این اثر هستند. همچنین به‌کارگیری لاجوردی یکنواخت در پس‌زمینه، فضای آندوه و وهم، زرد درخشان در لباس ابلیس، تأکید بر شخصیت او و نارنجی در لباس نقال سبب چرخش رنگ‌ها در ترکیب‌بندی اثر بوده است. در مجموع، اثر با رنگ‌های تخت و درخشان و بدون سایه ترسیم شده است.

**واژگان کلیدی:** شهادت زکریا (ع)، قصص الانبیا، سامان‌بندی، نگارگری.

\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۸۶۵۷۵۵، armita.saadatmand@gmail.com

**مقدمه و بیان مسئله**

دوران صفویه در میانه سده شانزدهم میلادی/ دهم قمری، با رسمیت دادن به مذهب شیعه، آغازگر بزرگ‌ترین جریان مذهبی تاریخ ایران بود که تفکرات دینی و مذهبی در ارتباطات و تحولات اجتماعی آن زمان شکلی جدید و جدی به خود گرفت (اصل نجفی فرد، ۱۳۹۲). نسخه‌های مصور این دوره، به‌خصوص نسخه‌های مذهبی از جمله قصص الانبیا، دارای شیوه‌ها و سبک‌های مختلف اجرایی و تنوع تاریخی و مکانی هستند که تا حدودی با نسخه‌ها و کتب مصور دیگر دوره‌ها تفاوت‌هایی، از لحاظ ترکیب‌بندی و هیئت و پوشش افراد در تصاویر، دارند. نگارگران نسخه‌های مصور قصص الانبیا برای داستان‌های خاص خود شیوه و سبک اجرایی مبتکرانه‌ای داشته‌اند. داستان‌های برگرفته‌شده در این نسخه‌ها، عموماً داستان‌های مهم برگرفته از قرآن و در بسیاری از موارد معجزات پیامبران یا عذاب قومی خاص، که در قرآن نقل شده، است و از این میان داستان‌های پیامبران صاحب کتاب و شریعت حائز اهمیت بود و هدف اصلی ترسیم این نوع داستان‌ها آگاهی‌بخشیدن و قراردادن بینش و تفکر مردم تحت تأثیر آیات قرآنی و حوادث نقل‌شده در داستان‌های این کتاب مقدس است.

با این حال باید دانست که از دیرباز نگارگری ایرانی با ادبیات پیوندی تنگاتنگ داشته است و نگارگر عمدتاً خمیرمایه کار خود را از منظومه‌های حماسی و غنایی و مذهبی برمی‌گرفته‌اند. نویسندگان هنگامی که در انتقال تجاربشان زبان عادی را ناتوان می‌یافتند، به‌ناچار به زبانی نامأنوس روی می‌آوردند و در انتقال عواطف و بیان از زبانی نمادین و رمزگونه و اساطیری بهره می‌بردند. نگارگر پایه‌پای قصه به مصورسازی زاینده‌های عالم تخیل داستان می‌پردازد و با زبان نمادین تصویرپردازی آن را بیان می‌کند.

یکی از نگاره‌های به‌جای‌مانده از دوره صفوی نگاره موجود از قصص الانبیا (سده شانزدهم میلادی) است که در کتابخانه «کاخ-موزه توپکاپی» استانبول نگهداری می‌شود و نگارگر آن ناشناس است. در این مقاله جهت بررسی سامان‌بندی تجسمی نگاره بر مبنای سه ویژگی عناصر بصری، ترکیب‌بندی و نمادپردازی، ابتدا الگوی ارتباط بین پارامترهای این سه ویژگی تبیین و سپس سامان‌بندی نگاره تحلیل می‌شود.

**پیشینه تحقیق**

مطالب بسیاری اعم از کتاب و مقاله درمورد داستان شهادت حضرت زکریا (ع) در قصص الانبیا وجود دارد. در این میان

می‌توان به کتاب «ابن شهرآشوب مازندرانی» (۱۳۷۹) با عنوان «در مناقب آل ابی طالب علیهم السلام» اشاره کرد که در گفت‌وگوهای ابلیس با امام هادی (ع) به توصیف شهادت حضرت زکریا (ع) می‌پردازد. کتاب قصص الانبیا تألیف ابواسحاق نیشابوری (۱۳۸۲) به اهتمام حبیب یغمایی قصه‌هایی متعددی درباره زندگی پیامبران نوشته است که در قصه شصت و ششم به داستان زندگی حضرت زکریا (ع) و به‌دنیا آمدن یحیی و سپس نحوه شهادت زکریا پرداخته است. در فصلنامه «خیال» مقاله‌ای به نگارش مهدی حسینی (۱۳۸۴) تحت عنوان «قصص الانبیا به روایت تصویر» سه عنصر شخصیت، رویداد و گفت‌وگو را در نگاره‌های دو قصه قرآنی (متعلق به قرن دهم هجری قمری) شامل کشته‌شدن هابیل به‌دست قابیل و عذاب قوم عاد را با روایت این قصص در تفسیر سورآبادی (متعلق به قرن پنجم هجری قمری) مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است. بر این اساس نتیجه‌گیری شده است که در قصص الانبیا گاه هر سه عنصر و گاه تنها یکی از عناصر فوق مورد توجه بوده است و علاوه بر آنها حرکت، زمان و مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. معصومه صداقت (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «پیامبران اولوالعزم در نگاره‌های قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری» به عناصر بصری و تصویری و بیان هنری در نگاره‌های متعدد یافت‌شده از این کتاب پرداخته است و در این راستا به این نتیجه رسیده است که نگارگران این کتاب به جهت داستان‌های خاص خود، شیوه و سبک اجرایی مبتکرانه‌ای داشته‌اند. با این حال مقاله حاضر ضمن اشاره مختصری به رویداد و نحوه شهادت حضرت زکریا (ع) به بررسی سامان‌بندی نگاره شهادت آن حضرت در نسخه تصویرسازی‌شده از قصص الانبیا با تبیین الگویی مبتنی بر شناسایی پارامترهای سه ویژگی نمادپردازی، ترکیب‌بندی و عناصر بصری پرداخته است.

**مبانی نظری تحقیق**

در این بخش ابتدا سامان‌بندی تجسمی و پارامترهای تشکیل‌دهنده آن تعریف و سپس ارتباط بین این پارامترها تبیین می‌شود تا از این طریق بتوان الگویی برای بررسی سامان‌بندی ارائه کرد.

**• سامان‌بندی**

سامان‌بندی مجموعه‌ای از عوامل تجسمی است که به قصد رساندن یک تأثیر یا مجموعه‌ای از تأثیرات خاص به کار می‌رود (جنسن، ۱۳۹۴، ۲۳). به عبارت دیگر فرم و ساختار یک اثر هنری از طریق شناخت سامان‌بندی آن قابل درک است. سامان‌بندی یک اثر هنری با عناصر بصری و اصول

در سطح دوبعدی یا سه‌بعدی را ترکیب‌بندی گویند (حلیمی، ۱۳۷۶، ۲۲۴). برای بررسی ترکیب‌بندی یک اثر، هماهنگی، وحدت، تعادل و تناسب آن ارزیابی می‌شود (Grabar, 1999, 84).

#### • عناصر بصری

عناصر بصری نخستین اجزایی هستند که چشم دریافت می‌کند (جنسن، ۱۳۹۴، ۲۰). عناصر بصری مشتمل بر نقطه، خط، فرم، بافت و رنگ هستند که اساس همه پدیده‌های دیداری و از جمله آثار هنرهای بصری را تشکیل می‌دهند (پاکباز، ۱۳۸۷، ۳۵۹).

با توجه به آنچه گفته شد، الگوی ارتباطی بین پارامترهای تشکیل‌دهنده سامان‌بندی را می‌توان به صورت تصویر ۱ پیشنهاد کرد. از این الگو برای بررسی سامان‌بندی نگاره شهادت حضرت زکریا (ع) براساس داستان قصص الانبیا در این تحقیق استفاده می‌شود.

در این الگو عناصر بصری و اصول ترکیب‌بندی با تمهیدات تجسمی مرتبط است. در واقع تمهیدات تجسمی مجموعه‌ای از عوامل تجسمی از قبیل عناصر بصری و اصول ترکیب‌بندی است که به قصد رساندن یک تأثیر یا تأثیراتی خاص در آن اثر هنری به کار می‌رود. بنابراین شناخت از نحوه عملکرد تمهیدات تجسمی به تفسیر آن اثر هنری کمک می‌کند (جنسن، ۱۳۹۴، ۲۳).

#### روش انجام پژوهش

از آنجا که این پژوهش به تبیین علل شکل‌گیری و ویژگی‌های زیباشناسی حقایق و شهادت حضرت زکریا (ع) در کتاب قصص الانبیا به شکل داستانی در نگاره مورد نظر می‌پردازد، تحقیقی بنیادی از نوع نظری است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی بوده و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به صورت کیفی ارائه شده است. در تجزیه و تحلیل فرم‌ها همراه با اجزا و نمادهای مستتر در آن، رویکردی ساختارگرایانه مبتنی بر مبانی نظری تبیین‌شده در پیش گرفته شده است. در تحلیل محتوا نیز از استقرا و قیاس استفاده شده است. همچنین مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای با رجوع به مقالات و آرشیوهای تصویری و استفاده از پایگاه‌های علمی معتبر و منابع تخصصی انجام پذیرفته است.

#### قصص الانبیا

کلمه «قصص» در عربی بر وزن «عسس» که واژه «قصه» از آن گرفته شده بیشتر به روایت یا رویدادی واقعی در زمان گذشته دلالت دارد. قصه در لفظ عربی به معنی پی‌گرفتن یا داستان‌هایی از گذشته است. قصه‌گویی در

ترکیب‌بندی مرتبط بوده و سازنده نوع تأثیر عناصر در اثر است. سامان‌بندی یک اثر هنری از انتظام نیروهای بصری حاصل شده و صرفاً از کنار هم نهادن ساده عناصر به دست نمی‌آید (پاکباز، ۱۳۸۷، ۲۹۳).

#### • نمادپردازی

نمادها به معنای نشانه یا کنش‌هایی هستند که براساس مجموعه هنجارهای مشترک، معنایی را انتقال می‌دهند. در واقع تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضوع به صفات ویژه شکل، رنگ و حرکت را نماد گویند (همان، ۶۰۴). شناسایی و معرفی هریک از نمادهای به‌کاررفته در این نگاره، شخصیت نمادپردازی نامیده می‌شود. پاسخ به این پرسش که در این اثر هنری نمادهای به‌کار رفته چه رویدادی را به تصویر کشیده‌اند و از زبان خود در ارتباط با سایر نمادها چه می‌گویند، به ترتیب رویداد و گفت‌وگو در نمادپردازی نامیده شده‌اند.

#### - شخصیت

یکی از مفاهیمی که از ابتدای شکل‌گیری تفکر مورد توجه و بحث قرار گرفته و اندیشمندان حوزه‌های مختلف به بررسی ساختار آن پرداخته‌اند، شخصیت است. معادل واژه شخصیت در زبان لاتین «personalite» است که ریشه در «persona» دارد. مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویری صوری و اجتماعی است و براساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، ترسیم می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل «شخصیت»). شخصیت خاصه هر فرد، مجموعه عوامل باطنی یک شخص و مجموعه نفسانیات (احساسات، عواطف و افکار) فرد دانسته می‌شود (معین، ۱۳۸۲، ذیل «شخصیت»).

#### - رویداد

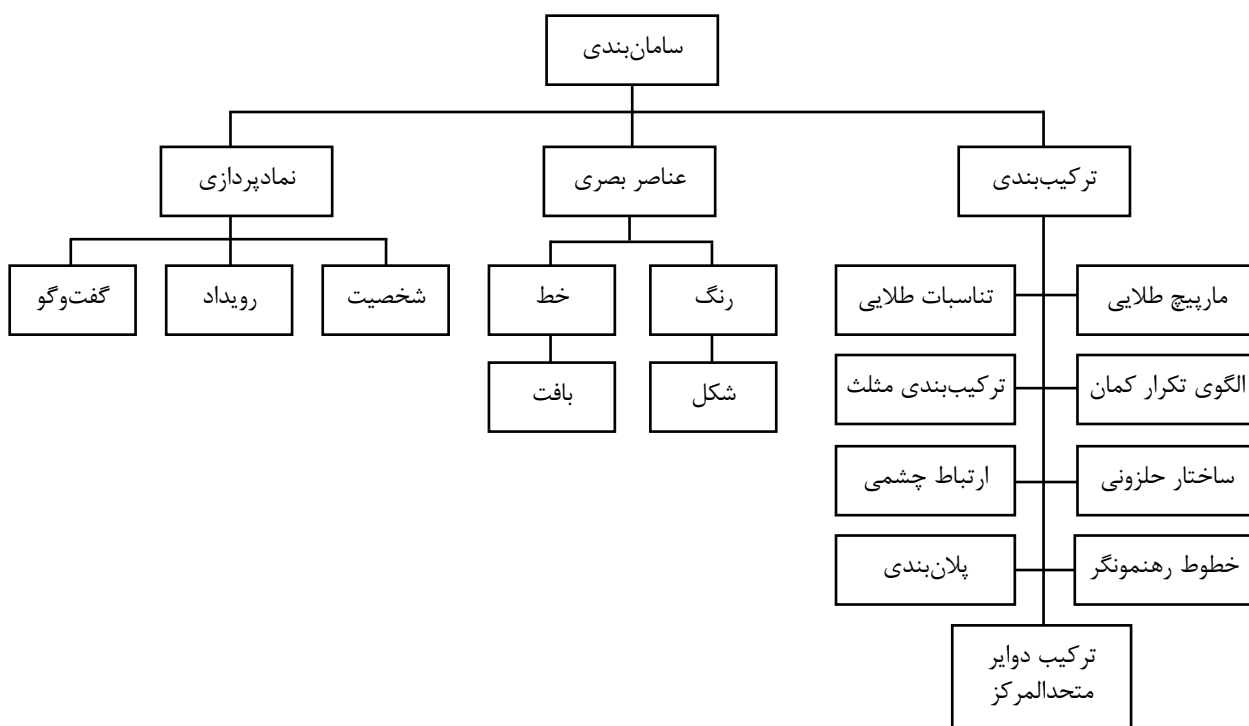
در فیزیک و به‌طور خاص در نسبت یک رویداد دلالت به یک موقعیت یا اتفاق فیزیکی دارد که در زمان و مکان مشخصی رخ داده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل «روی‌دادن»). رخداد بوسیله عملکردی میان این سه تعریف می‌شود. رخدادها فقره‌هایی تکرارنشده و یکتا هستند که تغییرات، وضعیت‌ها و شرایط خود را نیز در بر دارند (همان، ذیل «رخ‌دادن»).

#### - گفت‌وگو

معنای لغوی «گفت‌وگو» و «گفت‌وگوکردن» آنگونه که از «لغت‌نامه» دهخدا مستفاد می‌شود، مکالمت، مباحثه، مجادله، گفت‌وشنود، مذاکره کردن، محاوره، جزو بحث، صحبت، بحث، سخن، هنگامه کردن، مشاجره، پرخاش و جنجال است (همان، ذیل «گفت‌وگو»).

#### • ترکیب‌بندی

جای‌دادن منطقی عناصر تجسمی در فضای مورد نظر



تصویر ۱. الگوی ارتباطی بین پارامترهای تشکیل‌دهنده سامان‌بندی. مأخذ: نگارندگان.

پارسی است که در کنار «ترجمه تاریخ طبری» و «تفسیر طبری» از شاهکارهای نثر دوره اول پارسی (مشهور به سبک خراسانی یا مرسل) است. این اثر در قرن پنجم هجری پدید آمده است و مشتمل بر ۱۱۴ داستان از سرگذشت پیامبران و برگزیدگان است. در این کتاب نظم تاریخی حکایت‌ها تا اندازه‌ای رعایت شده است. کتاب از قصه آفرینش آسمان آغاز و با حکایت‌هایی از صحابه پیامبر گرامی (ص) و خلفای راشدین پایان می‌یابد (نیشابوری، ۱۳۸۲، ۱۳).

در نسخ متعدد قصص الانبیا جهت تصویرآرایی داستان‌ها و روایت پیامبران، از متن نیشابوری استفاده شده که این مسئله نشان از اهمیت این نمونه ادبی در میان دیگر آثار زبان و ادب پارسی، به‌خصوص با مضمون داستان پیامبران دارد (حسینی، ۱۳۸۴، ۱۱۴-۱۱۵).

#### معرفی نمونه

نمونه مورد بررسی در این مقاله نگاره شهادت حضرت زکریا در نسخه خطی قصص الانبیا اثر ابوالسحاق نیشابوری است که امروزه در گنجینه موزه توپکاپی نگهداری می‌شود. ابعاد این نگاره ۲۸.۲ در ۴۲ سانتی‌متر است. این نگاره فاقد رقم بوده و نگارگر آن ناشناس است. تصویر ۲ نمونه نگاره مورد بررسی را نشان می‌دهد.

قرآن با این معنا پیوندی نزدیک دارد. وقایع گفته‌شده در قرآن، برخی متعلق به گذشته دور و برخی مربوط به گذشته نزدیک است و هدف آنها عبرت و دعوت انسان به سوی خداوند است. قصه‌های قرآنی از دیدگاه ادبی واقع‌گرا محسوب می‌شوند، زیرا ویژگی اصلی این قصص آن است که حق بوده و به حق واقع شده‌اند. به‌طور کلی سیر داستانی قصه‌های قرآن شامل دعوت پیامبران، تکذیب آنها از سوی قوم و در نهایت نازل شدن عذاب الهی بر قوم نافرمان است. قصه‌های قرآنی دربرگیرنده پیام الهی است و در آنها پیامبران سرگذشت و پیام واحدی داشته‌اند. در نگارگری ایرانی، قصص قرآن با نام‌های «قصص الانبیا»، «سیر النبی»، «انبیایانامه»، «فال‌نامه» و «معراج‌نامه» معرفی شده است. از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های قصص انبیای موجود کتاب «عرانس المجالس» یا «قصص الانبیا» اثر قرآن‌پژوهی به نام «ابی اسحاق احمد بن محمد بن النیشابوری» معروف به «ثعلبی» به سال ۱۰۳۵ م. / ۴۲۷ ه.ق. است (صداقت، ۱۳۸۶، ۷).

بی‌گمان متن ابتدایی کتاب قصص الانبیا نوشته «ابواسحق ابراهیم بن منصور ابن خلف النیشابوری»، که بعدها بر مبنای آن کتاب‌های قصص الانبیا تصویرسازی و نگارگری شده‌اند، یکی از گنجینه‌های ادبی و معنوی گرانقدر نثر

بیان می‌کند. عناصر به شکل ترکیب‌بندی مثلثی کار شده و رأس مثلث بر درخت تأکید و اشاره دارد و به این صورت نگاه بیننده از پایین نگاه رو به بالا کشیده می‌شود. استفاده از آسمان لاجوردی یکنواخت در پس‌زمینه اثر نمادی از آسمان لایتناهی است. همچنین به کارگرفتن عناصر در مستطیل طلایی به گونه‌ای است که آرامش و ثبات را القا می‌کنند. ترکیب‌بندی نگاره منسجم و متعادل است و فرم‌های انسانی که در قالب مستطیل از بطن نگاره جدا شده‌اند شکل قرینه داشته و حاکی از ترکیب‌بندی متقارن در اثر است.

#### - استفاده از خطوط رهنمونگر و محورهای عمودی در کل نگاره

از خطوط رهنمونگر برای جای‌گیری عناصر در این اثر استفاده شده است. در این نگاره خطوط رهنمونگر عمودی بیشترین کاربرد را در جای‌گیری عناصر داشته‌اند، با این حال به‌ندرت از خطوط رهنمونگر افقی و قطری نیز بهره گرفته شده است (بنگرید به تصویر ۳).

#### - کاربرد تناسب طلایی در کل نگاره

بر اساس تقسیم‌بندی تناسب طلایی در این نگاره، متن تصویری نگاره در مستطیل  $\sqrt{2}$  و کل نگاره (شامل متن تصویری و کتیبه نوشتاری) در مستطیل  $\sqrt{3}$  قرار گرفته است. همچنین از مربع شاخص برای ایجاد فضای اثر استفاده شده است. نگارگر ابلیس و نقال را که از عناصر و فرم‌های انسانی هستند در دو جایگاه متقارن به جهت تأکید بر این مربع شاخص در پایین صفحه و متن اثر به کار برده است تا بر این تقسیم‌بندی مجدداً مهر تأییدی زده باشد (بنگرید به تصویر ۳).

#### - الگوی تکرار کمان

در این نگاره، همانطور که در تصویر ۳ آمده است، استفاده بسیار زیبا و ماهرانه و هماهنگ در میان چیدمان عناصر بر محوریت الگوی تکرار کمان مساوی صورت گرفته است.

#### - ارتباط چشمی

از آنجا که شاخص‌ترین عنصر اصلی در این نگاره انسان است، بررسی ارتباط چشمی بین پیکره‌ها ضرورت دارد. ارتباط چشمی در تصویر باعث ایجاد گردش و حرکت در تصویر می‌شود (نقیب اصفهانی و ناظری، ۱۳۹۴، ۱۰۴). همانگونه که تصویر نشان می‌دهد ارتباط چشمی مشخص شده بین فیگورها سبب حرکت در تصویر شده است.

#### - مارپیچ طلایی و ساختار حلزونی

شکل مارپیچ در بنیان ترکیب‌بندی موجب حرکت و پویایی است و چشم بیننده را به سوی نقطه تمرکز اثر جذب و مجدد از آن دور می‌کند (مراثی، ۱۳۸۴، ۴۳).



تصویر ۲. نگاره شهادت حضرت زکریا. مأخذ: www.ack-images.de

## یافته‌ها

نتایج به‌صورت دسته‌بندی شده و در هر یک از زیر مجموعه‌های بر شمرده در سه جزء سامان‌بندی (ترکیب‌بندی، عناصر بصری و نمادپردازی) و همانطور که در تصویر ۱ تبیین و تقسیم‌بندی شده، به شرح زیر است:

### • معرفی و بررسی نمادهای به‌کار رفته در نگاره از منظر شخصیت، رویداد و گفت‌وگو

در جدول ۱ سه نماد اصلی داستان، شامل حضرت زکریا (ع)، ابلیس و درخت، براساس سه عوامل شخصیت، رویداد و گفت‌وگو مورد بررسی قرار گرفته است.

### • ترکیب‌بندی

در این نگاره، همانطور که در تصویر ۳ آمده است، استفاده از ترکیب‌بندی دایره‌ای (دوار) و چیدمان خطوط منحنی متقارن عناصر و اجزای اثر از جانب نقاش نهایت توجه بیننده را به مرکز معطوف می‌دارد. تأکید نقاش بر جایگاه درخت و عملکرد خصمانه جاهلان و به‌تصویرکشیدن او در مرکز کادر در ترکیب‌بندی اثر جایگاه مقام افراد را

جدول ۱. معرفی و بررسی نمادهای به‌کاررفته در نگاره. مأخذ: نگارندگان.

عوامل	نماد	توضیحات
	حضرت زکریا (ع)	زکریا نبی (ع) پدر حضرت یحیی (ع)
	ابلیس	شیطان، اهریمن و پدر دیوان - عامل قتل زکریای نبی (ع)
شخصیت	درخت	نقش درخت، ریشه در اندیشه جاندارپنداری مردمان باستان دارد. آنها درخت را همانند انسان دارای شعور و فهم می‌دانستند و موجودی زنده گمان می‌بردند. پس در نگاه آنان توانایی یک درخت چندان شگفت‌آور نبود. این جاندارپنداری در دیگر عناصر طبیعت نیز دیده می‌شود (داریوش، ۱۳۹۱، ۱). درخت زاینده انبوهی رمز است که در شاخه‌های بی‌شمار گسترش می‌یابد و در بستر اساطیر، هنرها و تمدن‌های گوناگون شکل می‌گیرد؛ درختانی همچون درخت مقدس، درخت زندگی، درخت سخنگو و درخت واق، که درختی با میوه‌های انسانی و حیوانی است. یکی از این درختان درختی است که زکریا (ع) در آن از شر ابلیس پناه می‌گیرد و در پرتو نماد و رمز جلوه‌گر می‌شود و همواره درخت با اشکال و نمادهای مختلف در ادیان، ادبیات و فرهنگ‌ها بروز کرده و به‌تصویر کشیده شده است.
	حضرت زکریا (ع)	روایتی که به شهادت جانسوز حضرت زکریا (ع) اشاره کرده است، افسانه‌آراده شدن زکریای نبی است که در درختی پنهان شده و اشقیاء به‌دستگیری اهریمن او را می‌یابند و با درخت اره می‌کنند، اما حضرت زکریا (ع) به لطف خداوند، در هنگام بریده شدن درخت، دردی احساس نکردند (ابن بابویه، ۱۳۹۲). اما این نکته قابل توجه است که نچ‌کشیدن پیامبر مهربان الهی چیزی از زشتی عمل بنی‌اسرائیلیان گمراه نمی‌کاهد (این الطالب بذحول الانبیا و ابناء الانبیا) فرازی از دعای ندبه (کجاست انتقام‌گیرنده از خون پایمال‌شده انبیا و فرزندان انبیا) مفهومی از بیان نمادین آه سوزان زکریا (ع) است که به‌شکل شعله‌های زرین‌فام از درون شاخ و برگ درخت متلبور و پناه او به فضای اندوه‌بار آسمان لاجوردی به‌تصویر کشیده شده است.
رویداد	ابلیس	دشمن بزرگ، در میان حریصان به خون زکریای نبی (ع) راه افتاد و درختان را از نظر گذراند و با انگشت پارچه بیرون‌زده از درختی را نشان داد و گفت: «این لباس اوست!» و زمزمه اوج گرفت: «زکریا میان درختی پنهان شده ابلیس، چشمان جنون‌زده‌اش از بالا تا پائین درخت گرداند و خم شد تا از پائین‌ترین قسمت درخت وجب‌به‌وجوب تا جایی که قلب زکریای نبی (ع) بود، تخمین بزند. انگشتان منحوسش را به بخشی از تنه درخت زد و فرمانی شیطانی داد: «درخت را از اینجا ببرید» وحشیان حمله کردند. آره آوردند و درخت را با گوهر میان‌اش دو تکه کردند. آنگاه درخت خون‌آلود را میان جنگل رها کردند. زنازادگان پراکنده شدند و ابلیس از میانه گریخت. پیامبر بی‌گناه خدا، بی‌آنکه جرمی کرده باشد، در میان جنگل، خون‌آلود و تنها بر جای ماند (ابن اثیر، ۱۳۷۴، ۱۷۰-۱۷۵). مفهومی از بیان نمادین با رنگ زرد درخشان برای تأکید بر شخصیت‌پردازی و عملکرد بی‌رحمانه، فرم دست که با تحکم دستور اره‌کردن درخت را می‌دهد و فرم کلاه دوکی‌شکلش متمایز از دیگر شخصیت‌ها بر شخصیت‌پردازی‌اش مهر تأکید می‌زند به‌تصویر کشیده شده است.
	درخت	براساس افسانه مسلمان مرگ یک شهید را به‌تصویر کشیده است که در متن ادبی ارائه‌شده درخت است که دهن می‌گشاید (اشاره به شیار مخفیگاه پیامبر در تنه) و زکریا (ع) را در خود پنهان می‌کند. زکریا در درخت که به‌طرز معجزه‌آسایی برای پذیرفتنش افتتاح شده بود پناه داده شد و به‌دستور ابلیس، شیطان فراری، نیروهای شیطان درخت را با تبری دوسر از هم جدا کردند. زکریا، که عقل سلیم او را همچون شعله‌های طلایی در میان برگ‌ها نشان می‌دهد، در لابلای شاخ و برگ‌ها به‌تصویر کشیده شده است.
	حضرت زکریا (ع)	-----
گفت‌وگو	ابلیس	ابلیس خود را در معرفی به امام هادی (علیه السلام) چنین توصیف می‌کند: «من نقشه قتل یحیی را کشیدم. من سبب قتل زکریا با آره شدم». از سخن این دشمن خدا چنین برمی‌آید که اولاً نقشه شوم قتل انبیا فساد است که بنی‌اسرائیل با فرمان شیطان، به آن دست زدند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۲۱).
	درخت	-----

تصویر ۳. ترکیب‌بندی نگاره. مأخذ: نگارندگان.



از فرم قالبی درخت در مرکز کاسته است تا نگاه بیننده بعد از تمرکز خاص بر روی درخت که سوژه اصلی است به شکل مدور بر عناصر تصویری دیگر گردش و کل فضای نگاره را شامل شود. از سویی دیگر پلان‌بندی نگاره مورد بررسی شامل شش پلان است که در تصویر ۵ مشخص شده است.

#### • عناصر بصری

در نگاره مورد بررسی عناصر بصری، شامل خط، رنگ، بافت و شکل، جهت انتقال مضمون به شرح زیر بررسی می‌شود (تصاویر ۶، ۷ و ۸):

#### - خط

در این نگاره، از میان عناصر هنرهای تجسمی خط نقش اصلی را در بیان حالت و نمایش عاطفی تصاویر ایفا می‌کند. در زمینه قلم‌گیری، نازک و ضخیم اجرا کردن خطوط محیطی پیرامون سطوح رنگ‌ها بر ایستایی و استحکام خطوط افزوده است.

#### - رنگ

به کارگیری رنگ‌های متباین، رنگ‌های مکمل و رنگ‌های سرد و گرم در رنگ‌آمیزی نگاره سبب ارتقای کیفیت بصری رنگ‌ها شده است. به کارگیری رنگ‌های درخشان، گرم و سرزنده و تخت برای جامه‌ها (زرد، نارنجی، لاجورد) از ویژگی‌های این اثر هنری است.

همانطور که در تصویر ۶ دیده می‌شود، لباس ابلیس با رنگ زرد درخشان برای تأکید بر شخصیت‌پردازی است و

در نگاره مورد بررسی، همانطور که در تصویر ۳ آمده است، مارپیچ طلایی قابل تشخیص است. در این نگاره علاوه بر مارپیچ طلایی، چیدمان عناصر براساس ساختار حلزونی هم در جهت پادساعتگرد و هم در جهت ساعتگرد صورت گرفته است.

آنچه بیش از هر چیز در این نگاره جلب توجه می‌کند حالت آرایشی و نحوه چیدمان عناصر توسط نگارگر به شکل مارپیچ طلایی<sup>۱</sup> و اسپیرال لگاریتمی است که با حرکتی نرم و بدون زاویه شکل گرفته است. در ترکیب‌بندی حلزونی حرکت چشم به‌طور مداوم بر مجموعه عناصر به کار گرفته شده هدایت می‌شود.

#### - پلان‌بندی و محل قرارگیری عناصر اصلی داستان

همانطور که در تصویر ۴ مشاهده می‌شود، از آنجا که نقش درخت و پناه‌دادن درخت به زکریا سوژه اصلی نگاره است، نگارگر با قراردادن آن در مرکز کادر و انتخاب نوع قرارگیری در تأکید موضوع استمرار داشته است. فرم تنه درخت به شکل خط عمودی پهنه کادر را تقریباً به دو نیم تقسیم کرده است (در اصل خط قرمز رنگ وسط کادر است). نگارگر برای غلبه بر این بیان تصویری فرم چترگونه برگ‌ها را به فرم منحنی و نیم‌دایره اجرا کرده تا حرکت چشم را از خارج شدن کادر رهایی بخشد. او با قراردادن فرم‌های انسانی، که در قالب شخصیت‌های متفاوت و گاه به همراه صورتک‌های حیوانی، نمادی از ابلیس درون هستند، به شکل قرینه در دو طرف درخت



تصویر ۴. ساختار و محل قرارگیری عنصر اصلی نگاره. مأخذ: نگارندگان.

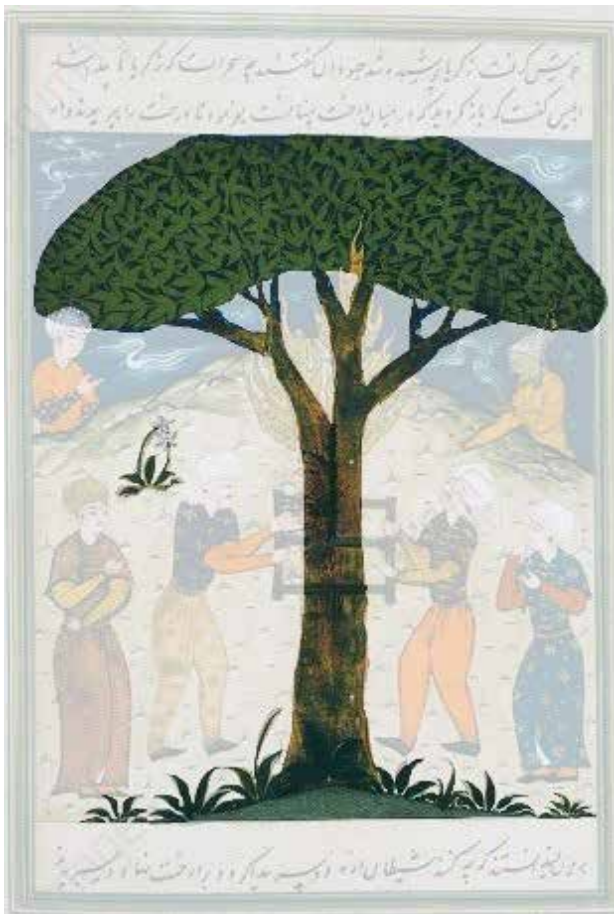




تصویر ۵. پلان بندی نگاره. مأخذ: نگارندگان.

رنگ‌های درخشان، نورانی و بدون سایه تصویر کرده است. در این نگاره، رنگ زرین فام طلایی نوید پیروزی نور نیکی و انگار ازلی نور بر شر است. دیگر عناصر با رنگ‌های آبی لاجورد، زرد و نارنجی طراحی شده‌اند. چرخش رنگ‌ها در ترکیب بندی رنگی اثر کاملاً مشهود است. آبی بیانگر ایمان و نشانگر فضای نامتناهی و معرف روح است، اما هنگامی که تاریک می‌شود و به تیرگی می‌گراید، مفهوم ترس، وهم، اندوه و مرگ و نیستی به خود می‌گیرد (ایتن، ۱۳۸۴، ۲۱۸).

فرم دست او، که با تحکم دستور اراه کردن درخت می‌دهد، بر این شخصیت پردازی تأکید بیشتری می‌کند. لباس نارنجی نقال (شخصیت روبه‌روی ابلیس) مکمل رنگ لباس زرد ابلیس است و چهره نقال، که متعجب شرح داستان را بیان می‌کند، به‌خوبی شخصیت پردازی او را نشان می‌دهد. رنگ زرد و نارنجی در کل اثر به شکل گردش رنگی دیده می‌شود. نگارگر در این اثر با رنگ‌های تخت و درخشان واقعه‌ای را روایت کرده است، اما در عین حال دنیای خیالی را نیز با



تصویر ۸. انواع بافت گیاهی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. ابلیس و نقال. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. رنگ‌های به‌کاررفته در نگاره. مأخذ: نگارندگان.

آستین‌بلند و ردایی بر روی آن تشکیل شده است. با این حال پوشش دو شخصیت اثر که درحال اراة درخت هستند از دیگر شخصیت‌ها متمایز است. آن دو لباس متداول آن دوره را به تن ندارند و بدون ردای بلند هستند که البته با چهرهٔ انسانی-حیوانی آنان نیز مطابقت دارد. فرم کلاه دوکی‌شکل ابلیس او را متمایز از دیگر شخصیت‌ها به‌تصویر کشیده است. از چهره‌نگاری نیم‌رخ، در چهرهٔ ابلیس، چهرهٔ ناظر سمت راست تصویر و یکی از دو شخصیت‌های ابلیس‌گونه با فرم تلفیقی انسان-حیوان استفاده شده است و از چهره‌نگاری سهرخ، در چهرهٔ راوی، چهره ناظر سمت چپ تصویر و یکی از دیگر شخصیت‌های ابلیس‌گونه با فرم تلفیقی انسان-حیوان استفاده شده است. چهره‌ها در این اثر هنری به فرم چهره‌های مغولان با چشمانی بادامی، بینی باریک و دهانی کوچک است و فاقد سایه‌پردازی و شخصیت‌سازی هستند. در نگارهٔ مورد بررسی، از چهره‌های بی‌حالت همراه با حرکات اغراق‌آمیز مرسوم در نقاشی سبک‌های

**بافت -**  
عامل اصلی ایجاد بافت عنصر نقطه و خط است. کیفیت به‌کارگرفتن این دو عنصر در لطافت یا خشونت بافت مؤثر است. در نگارهٔ مورد بررسی از نظر قلم‌گیری، خطوط با شدت و ضعف به‌نقش کشیده شده و امکان تأثیرگذاری بر کیفیت بافت را ایجاد کرده است. همانطور که در **تصویر ۸** دیده می‌شود، نگاره دارای بافت‌های آرام و کم‌تنوع است که بر سکوت و آرامش فضا می‌افزایند و نقش مهمی در تداعی معنا دارد.

**شکل (فرم) -**  
همانطور که در **جدول ۲** مشاهده می‌شود، دو فرم انسانی کارشده در پلان اول اثر، انگشت‌به‌دهان و متعجب، پوششی کاملاً صفوی دارند. لباس پیکره‌ها از پیراهنی

جدول ۲. چهره‌نگاری در نگاره. مأخذ: نگارندگان.

### نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل نگاره شهادت حضرت زکریا (ع) نشان می‌دهد که تصویرسازی عواطف و احساسات انسانی در داستانی مذهبی برگرفته از زندگی پیامبران قرآنی<sup>۲</sup> موضوعی قابل توجه بوده و دستاوردی کاملاً جدید محسوب می‌شود. درخت به‌عنوان جان‌پناه زکریا (ع) با اجرا در مرکزیت تصویر بیانگر محوریت موضوع است. درخت همراه با شعله‌های زرین‌فام بیان از آه مظلومان زکریا (ع) دارد که در بین شاخ و برگ درخت و در فضای اندوه‌بار آسمان لاجوردی متبلور شده است. نوع ترکیب‌بندی این نگاره و چینش عناصر بصری آن از جمله شکل و رنگ و بافت تحت تأثیر موضوع قرار دارد. ترکیب‌بندی این نگاره ثابت و آرامش را تداعی می‌کند و نگارگر سعی دارد با اشاره موضوع مورد نظر را بیان کند و در قالب نمادپردازی، تصویری متبلور برخاسته از فضای هنری و مذهبی حزن‌انگیزی ایجاد کند و اثر هنری آن دوره را در کنار مضامین مذهبی همراه با ادبیات عرفانی شکل بخشد. به‌طور کلی می‌توان این تصویر را وفادار به دو ساحت دانست: نخست، کتابی که تصاویر به بازنمایی متن آن پرداخته است و دوم، درخت پناه‌دهنده زکریا که با هجوم انسان‌های ابلیس‌واری مواجه شده که صوری انسانی و حیوانی دارند. شخصیت‌های داستان، که ابلیس، نقال و مردم عادی هستند، همه بر روی مارپیچ طلایی به‌تصویر کشیده شده و با استفاده از ترکیب‌بندی استواری در چارچوب مستطیل طلایی قرار داده شده و با حفظ هویت سنت نگارگری آن دوره تجلی‌بخش نگاره‌ای غنی بوده‌اند.

### پی‌نوشت

۱. Labyrinth

۲. نام حضرت زکریا (ع) هفت بار در قرآن در سوره‌های آل عمران، انبیا، عمران و انعام آمده است. قرآن از زندگی حضرت زکریا (ع) غیر از دعای او در طلب فرزند، استعجاب دعایش و تولد فرزندش یحیی چیز دیگری به میان نیاورده و به سرانجام امر او اشاره‌ای نکرده است، ولی در احادیث بسیار معتبری از شیعه و سنی (به‌ویژه روایت نقل‌شده از امام صادق (ع)) آمده است که قومش او را با راهنمایی ابلیس، در حالی که در تنه درختی پنهان شده بود، به قتل رساندند (نیشابوری، ۱۳۸۲، ۱۳).

### فهرست منابع

- ابن اثیر، ابوالحسن. (۱۳۷۴). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران (ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت)، تهران: نشر داد.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۲). علل الشرائع (ترجمه علی‌اکبر میرزایی). قم: ادباء.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
- اصل نجفی فرد، رضا. (۱۳۹۲). شرح مختصر در تاریخچه هنر نگارگری ایرانی اسلامی در ادوار تاریخ هنر ایران. قابل دسترسی در <http://www.islamicartz.com>
- ایتن، یوهانس. (۱۳۸۴). کتاب رنگ (ترجمه محمدحسین حلیمی).

توضیحات	تصویر چهره
چهره ناظر در سمت چپ نگاره. سه‌رخ	
چهره شخصیت‌های ابلیس‌گونه با فرم تلفیقی انسان و حیوان در سمت راست نگاره. سه‌رخ	
چهره راوی در سمت چپ نگاره. سه‌رخ	
چهره ناظر در سمت راست نگاره. نیم‌رخ	
چهره شخصیت‌های ابلیس‌گونه با فرم تلفیقی انسان و حیوان در سمت چپ نگاره. نیم‌رخ	

پیشین استفاده شده است. صحنه از فضایی فراخ برخوردار است. اگرچه ممکن است پس‌زمینه‌ها دارای مقیاس مناسبی برای خلق رویدادها نباشند، اما به‌خوبی گنجایش پیکر قهرمان‌ها را دارند و شخصیت‌ها در بخش مرکزی فضای تصویر جای گرفته‌اند.

- صداقت، معصومه. (۱۳۸۶). پیامبران اولوالعزم در نگاره‌های قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری. *مطالعات هنر اسلامی*، ۴(۷)، ۲۳-۴۶.
- مرآئی، محسن. (۱۳۸۴). ماریپچ طلایی در طبیعت و هنر اسلامی. *نگره*، ۱(۱)، ۳۵-۴۴.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی* (ج. ۳). تهران: نگارستان کتاب.
- نقیب اصفهانی، شادی و ناظری، افسانه. (۱۳۹۴). ریخت‌شناسی نگاره سماع صوفیان مصوب به بهزاد. *نگارینه هنر اسلامی*، ۷(۷)، ۹۷-۱۰۷.
- نیشابوری، ابواسحاق. (۱۳۸۲). *قصص الانبیا* (به کوشش حبیب یغمایی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و هنری.
- یادگار، فرنگیس. (۱۳۹۱). *پژوهشی پیرامون رنگ و خط در نگارگری ایران* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، ایران.
- Grabar, O. (1999). *Mostly Miniatures (An Introduction to Persian Painting)*. New Jersey: Princeton University.

- تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۷). *دائرة المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- جنسن، چالز. (۱۳۹۴). *تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی* (ترجمه بتی آواکیان). تهران: نشر مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت.
- حسینی، مهدی. (۱۳۸۴). *قصص الانبیا به روایت تصویر*. خیال، ۱۳(۱)، ۱۱۴-۱۱۵.
- حلیمی، محمدحسین. (۱۳۷۶). *اصول و مبانی هنرهای تجسمی: زبان، بیان، تمرین*. تهران: احیاء کتاب.
- داریوش. (۱۳۹۱). آیین و باورهای درباره رستنی‌ها در ایران زمین، *درخت در فرهنگ ایران*. قابل دسترسی در <https://www.ettelaat.com/mobile/?p=26163&device=phone>
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا* (ج. ۸، ۹، ۱۲، به کوشش محمد معین و سیدجعفر شهیدی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**نحوه ارجاع به این مقاله:**

آرمیتا سعادت‌مند، آرمیتا و مجابی، سیدعلی. (۱۳۹۹). بررسی سامان‌بندی‌های تجسمی در نگاره شهادت حضرت زکریا (ع) قصص الانبیا. *باغ نظر*، ۱۷(۹۲)، ۵۱-۶۲.

DOI: 10.22034/bagh.2020.211904.4386

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_119775.html](http://www.bagh-sj.com/article_119775.html)

